



اصفهان مهد صنایع دستی ایران

همراه با رونمایی تازه‌های نشر مرکز

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل
وابسته به سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری اصفهان برگزار می‌کند:
خیابان باغ گل‌دسته، سالن همایش‌های
کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان
www.cois.ir / ۳۲۲۴۵۱۸۴

شنبه ۲۰ خردادماه ۱۳۹۶
ساعت ۱۸ الی ۲۰:۳۰
با حضور استاد دکتر
محمد حسن سمسار



سورة

رسم کهنی در میان ما ایرانیان جاری است که همه گفته ها و همه کتاب ها با نام خدا شروع می شود و ما را به طور دقیق اولین موحدین شناخته شده تاریخ به حساب می آورند و دوستان باستان شناس به خوبی می دانند که تمام کتیبه های عصر پرافتخار هخامنشی ما با نام خدا شروع می شود فرقی نمی کند که کتیبه ها در کجا نوشته شده اند بر سینه کوه بیستون یا بر دیواره های کاخ ها یا بر الواح زرین و سیمین پایه های یادگاری کاخ آپادانا همه آنها با این جملات شروع می شوند که خدای بزرگ اهورامزدا که این زمین را آفرید که آسمان را آفرید، که شادی را برای مردمان آفرین و همه این ها سند موثقی بر موحد بودن مردم سرزمین ما است. در این مقال در نظر داشتم راجع به اصفهان و جایگاه اصفهان و چنانچه وقت اجازه بدهد کمی راجع به صنایع دستی اصفهان گفتگو کنم.

جایگاه اصفهان در هنر ایران: اصفهان یقیناً به همان کهنی است که شوش و ری و دامغان و شهرهای کهن ایران به آن کهنگی هستند، درست است که در اصفهان حفاری انجام نگرفته که لایه های زیرین شهر را بر ما روشن کند و ما به قدمت اصفهان پی ببریم. اما آنچه که مسلم است و در کتب تاریخ و جغرافیا منعکس شده است به دلیل وجود یک نشانه بارز در شیوه آبیاری اصفهان یعنی مادی ها که از کلمه ماد گرفته شده و نخستین سلسله حکومتی و پادشاهی در ایران است. قدمت اصفهان دست کم به دوران مادها می رسد و باید بدانیم وقتی کلمه ای برای یک سازه شهری به کار می رود نشانه قدمت کاربرد و قدمت زمانی آن است و کاربرد کلمه مادی در اصفهان نشان قدمت این خاک پاک است. در معماری و شواهد باستان شناسی هخامنشی مادها جایگاه دوم را در سلسله طبقاتی هخامنشی دارند و شما نقش امیران و سربازان و مردم ماد با لباس و کلاه و تجهیزات مخصوص خودشان را در تخت جمشید می بینید، اصفهان ظاهراً مرز سرزمین پادشاهی ماد بوده، در تاریخ اشکانی ما دارای یک مجموعه شهریان بوده ایم و تاریخ نشان می دهد که اصفهان دارای یک شهریار مستقل بوده، در دوره ساسانی شما روی سکه ها نام ضرابخانه اصفهان را می یابید، در دوره اسلامی اصفهان تبدیل می شود به پایتخت دو سلسله بزرگ و نامدار یعنی سلجوقیان و صفویان.

شاهد گویایی داریم در تاریخ نویسی به نام طبری در، نوشته های طبری داستانی می آید

که وقتی که هرمزان فرمانده ارتش ایران اسیر اعراب می شود و به مدینه فرستاده می شود خلیفه دوم می پرسد که ما به کدام بخش حساس ایران می توانیم دست بیابیم که به کل ایران تسلط پیدا کنیم. او یک مثلی را برای خلیفه دوم می زند و می گوید سرزمین ایران مثل یک پرنده بال گشوده است یک بال آذربایجان است بالی فارس است و سراین پرنده اصفهان است و البته ضمانتی برای صحت این گفته وجود ندارد زیرا تاریخ مجموعه ای از واقعیات و تخیلات و مصالح نویسندگان تاریخ است. اما این داستان نشان دهنده جایگاه اصفهان در صدر اسلام است.

اما آنچه مسلم است این است که اصفهان شهری آباد پررونق، مرکز تجارت مرکز هنر، تولید کننده فرهنگ بوده است. ما متأسفانه یا خوشبختانه در اصفهان کاوش باستان شناسی نداشته ایم و شاید علت آن این بوده که شهر مداوم زنده بوده و هرگز تخریب نشده همچون شهرهای باستانی. اما خوشبختانه جغرافی نویسان سده های اسلامی شواهدی به دست می دهند که نشان می دهد دست کم از سده سوم میلادی اصفهان شهریت توأم با فرهنگ داشته است. یکی از ظواهر فرهنگ وجود کتابخانه در شهر است، دو شهر در دوره اسلامی با پیشینه ساسانی داریم که از این نظر خیلی مشهور هستند یکی جندی شاپور است و یکی اصفهان به گزارش حمزه اصفهانی مورخ و جغرافی نویسنده زبان شناس و عالم مشهور قرن ۴ اصفهان حقیقتی را نوشته که در سال ۱۳۵۰ در سارویه اصفهان بنایی خراب شده که مردم تصور نمی کردند که این بناست و تصور می کردند که این یک عارضه طبیعی است، بخشی از این بنا فرو ریخت و یک حادثه غیر قابل تصور پیش آمد که پیدایش یکی از قدیمی ترین کتابخانه های شناخته شده در دنیا بود ابن ندیم مورخ و عالم بزرگ قرن ۴ نیز در کتاب الفهرست به این قضیه اشاره داشته است.

لازم به تذکر است که دو حادثه مشابه این در ایران در دوران معاصر اتفاق افتاده است یکی پیدا شدن ۳۰ هزار لوح گلی از دوره هخامنشی در تخت جمشید است که آمار مخارج تخت جمشید بر روی آنها به خط میخی حک شده بود.

اصفهان در هنر نیز سرآمد بوده همچنین در بازرگانی، خط بازرگانی عمده ای که در قرن اول اسلامی از کنار مدیترانه و شام قدیم می گذشت از سویی به اصفهان منتهی می شد و از اصفهان

منتهی می شد به هرات و سمرقند.

امتیاز بزرگ دیگری که اصفهان داشت این است که فرهنگ اصفهان دارای مکتب است، بنابراین اصفهان را می شود گفت که یک جایگاه تمدنی جامعه برای سرزمین ما دارد. در دوره ای که اصفهان پایتخت بوده این دو دوره بسیار پرافتخار بوده اند و پس از این دو دوره شاهد نزول اصفهان هستیم.

صنایع دستی در اصفهان به نظر بنده چیز جدا شدنی از هنر ایرانی نیست صنایع دستی دارای رگه های بسیار نیرومند هنر ایران است در تمام شاخه ها با این تفاوت که همچنان هنر برای طبقات مختلف مردم در دوره های گذشته رگه های خاص را داشت صنایع دستی هم رگه های خاص خودش را داراست. به طور مثال عرض کنم که ابونعیم اصفهانی نقل می کند که در بازارهای اصفهان دوکالا وجود دارد که به اقصی نقاط جهان برده می شوند یکی فرش اصفهان یکی هم بافته های اصفهان است که وی از پنج شش نوع بافته های اصفهان صحبت می کند که ذکر سقلاطون سقلاطون (نوعی پارچه ابریشمی به رنگ سرخ یا کبود) می کند ذکر عتابی (نوعی پارچه موجدار و رنگارنگ شبیه اطلس که در عتابیه بغداد بافته می شد) می کند ذکر وشی (دیبا، پارچه ابریشمی لطیف و رنگین که در شهر وش درست می شد) می کند ذکر حوله (نوعی پارچه پرزدار و ضخیم برای خشک کردن بدن) می کند و می گوید اینها به اقصی نقاط دنیا برده می شود و این اسامی الان برای ما ناشناخته است ولی هر چه بوده اند در دنیا به عنوان آثار نادر به حساب می آمده اند.

خدمتتان عرض کردم که هنر اصفهان دارای مکتب است و شاید محسوس ترین آن را در دوره صفوی شاهد هستیم که مکتب هنر اصفهان علاوه بر ارزش قدیمی که دارد وارث هنر تیموریان از هرات و سمرقند و هنر قبل از تیموریان از ایلخانان از تبریز و بغداد بود که تلفیق این ها و پیدایش هنرمندان بزرگی که از سرتاسر ایران به اصفهان آمده بودند و مجموعاً مکتب صفوی را ایجاد کردند یادگارهای بزرگی را برجای گذاشتند. از جمله هنر معماری که بیشترین آثار آن در خود اصفهان به جای مانده است و یا هنرمندان اصفهانی که در سایر نقاط جهان رفته اند و هنر خود را در آن مکان ها به جای گذاشته اند که به بهترین نمونه از آن می توانیم به کاشی کاری قبر

تیمور اشاره کنیم که به وسیله یک کاشی کار اصفهانی انجام گرفته و اگر اشتباه نکنم نام وی محمد بنا اصفهانی است و بسیاری آثار دیگر از نسخه های خطی، بناهای مساجد، کاروانسراها، کاخ ها که به ویژه هنرمندان اصفهانی در هنر معماری و کاشی کاری نقش ویژه بازی کرده اند. در خوشنویسی تداوم مکتب اصفهانی تا پایان دوره قاجاریه نیز ادامه داشته نمونه های شاخص و بارزی در هنر خوشنویسی داریم در سایر هنرها نیز این حکم جاری است و همونطور که عرض کردم باقی مانده اش در صنایع دستی از همه مشهودتر است.

به نظر بنده شاید نام صنایع دستی آنگونه که در ایران به کار برده می شود شاید در سایر نقاط جهان نتوانیم استفاده کنیم و صنایع دستی در ایران بنا بر طبقه مختلف مردم تولید می شده است و در اثری که ما صنایع دستی می نامیم هیچ تفاوتی با اثر هنری ندارد. برای اثبات این منظور من دو میز را در کنار یکدیگر قرار دادم یکی میزی است که در یک کارگاه هنری تولید شده است طراح این اثر مرحوم بهادری است خاتم ساز آن استاد نعمت شیرازی است و در کنار آن یک میز است که در اصفهان ساخته شده و جز کارهای صنایع دستی به شمار می آید. ضابطه این که ما نام هر اثر صنایع دستی را یک اثر را اثری هنری می دانیم آن است که مرز هر دو یکی است و مادر صنایع دستی به نظر بنده هنر کهن ایران است تنها کاربری و مصرف آن باعث ایجاد طبقه بندی کار شده است و ضابطه دیگر ضابطه نبوغ سازنده است، همه سازندگان صنایع دستی نمی توانند سازندگان نابغه ای باشند و ما نمی توانیم تمامی آثار صنایع دستی و آثار هنری را در یک طبقه بندی بگنجانیم اما صنایع دستی را باید بخشی از هنر یک جامعه بدانیم و تفاوت اصلی صنایع دستی ایران با سایر کشورهای اروپایی و یا کشورهای همچون چین و ژاپن همین قرابت صنایع دستی با هنر است.